

The Role of Extracurricular Activities and Religious Motivation in Strengthening Students' Religious Socialization: Challenges and Opportunities

Maryam Ramazani Meshkin¹
Hassan Najafi²

Abstract

Religious socialization is one of the key educational and social dimensions that develops within the process of schooling, enabling students to understand religious values, beliefs, and norms and apply them in social interactions. This study aims to examine the role of extracurricular programs and religious motivation in enhancing students' religious socialization. The findings indicate that extracurricular activities, by providing opportunities for active participation in religious matters, strengthening social skills, and fostering intrinsic motivation, contribute both directly and indirectly to the improvement of religious socialization. Religious motivation, as a mediating variable, plays a decisive role in linking extracurricular activities with religious socialization, as it facilitates the internalization of values, strengthens religious commitment, and increases students' participation in religious activities. Furthermore, the family, school, and media, as key sources of religious socialization, play an important role in shaping religious beliefs and behaviors. The study also identifies challenges posed by globalization, including secularization, religious diversity, and the influence of social media, and proposes strategies to leverage opportunities while mitigating negative consequences. The results suggest that a combination of extracurricular programs, family support, and religious motivation provides an effective framework for nurturing students who are committed, ethical, and capable of coexistence with diverse beliefs.

Keywords: Religious socialization, Religious motivation, Extracurricular activities, Education

¹ Master's Student in Educational Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

² Assistant Professor of the Department of Educational Science, Farhangian Univiersty, Tehran, Iran.
hnajafih@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Spring 2025، No 22، Vol 7

سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۴۰۴

ppt 72-97

صفحات ۹۷-۷۲

نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه و انگیزش دینی در تقویت جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان: بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها

مریم رمضانی مشکین^۱

حسن نجفی^۲

چکیده:

جامعه‌پذیری دینی یکی از ابعاد کلیدی تربیتی و اجتماعی است که در فرآیند آموزش و پرورش شکل می‌گیرد و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد ارزش‌ها، باورها و هنجارهای دینی را درک کرده و در تعاملات اجتماعی به کار گیرند. این پژوهش با هدف بررسی نقش برنامه‌های فوق‌برنامه و انگیزش دینی در تقویت جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های فوق‌برنامه، با فراهم کردن فرصت‌های مشارکت فعال در امور دینی، تقویت مهارت‌های اجتماعی و ایجاد انگیزه درونی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب ارتقای جامعه‌پذیری دینی می‌شوند. انگیزش دینی به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیوند میان فعالیت‌های فوق‌برنامه و جامعه‌پذیری دینی دارد؛ زیرا موجب درونی‌شدن ارزش‌ها، تقویت تعهد مذهبی و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دینی می‌شود. علاوه بر این، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها به‌عنوان منابع کلیدی جامعه‌پذیری دینی، در شکل‌دهی باورها و رفتارهای دینی نقش مهمی دارند. پژوهش همچنین

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چالش‌های عصر جهانی‌شدن از جمله سکولاریزاسیون، تنوع دینی و تأثیر رسانه‌های اجتماعی را شناسایی کرده و راهبردهایی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش پیامدهای منفی ارائه می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیب برنامه‌های فوق‌برنامه، حمایت خانوادگی و انگیزش دینی، بستری مؤثر برای پرورش دانش‌آموزانی متعهد، اخلاق‌مدار و همزیست با باورهای متنوع فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری دینی، انگیزش دینی، فعالیت‌های فوق‌برنامه، آموزش و پرورش

مقدمه

دین و مذهب در جوامع امروز همچنان نقشی پررنگ در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اثرگذاری دین، حوزه آموزش و پرورش و به‌ویژه دانش‌آموزان است؛ زیرا آنان در سنین جوانی با محیط‌های متنوع خانوادگی، آموزشی و اجتماعی مواجه می‌شوند و در معرض گوناگونی باورها و مذاهب قرار می‌گیرند (زارعی، ۱۳۹۹). تعامل و مواجهه با این تنوع اعتقادی، یکی از ارکان اصلی فرایند جامعه‌پذیری دینی به شمار می‌رود. این فرایند نه تنها به تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود آنان توانایی درک و احترام به باورهای دیگران را به دست آورند. اهمیت جامعه‌پذیری دینی در نظام آموزشی از آنجاست که این فرایند به تقویت ابعاد اخلاقی و دینی دانش‌آموزان یاری می‌رساند و به ایجاد محیطی انسانی، دوستانه و صلح‌آمیز در مدرسه و جامعه منجر می‌شود (اسمیت، ۲۰۲۰). در نتیجه، ارتقای جامعه‌پذیری دینی می‌تواند بسترساز همبستگی اجتماعی، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد با عقاید متفاوت باشد (حسینی، ۱۳۹۸؛ جانسون، ۲۰۱۸).

یکی از عوامل مهم در این زمینه، برنامه‌های درسی و فوق برنامه مدارس است. این برنامه‌ها با هدف رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان طراحی می‌شوند و حوزه‌های گوناگونی از جمله علوم، ریاضیات، زبان‌ها، علوم انسانی، هنر و ورزش را در بر می‌گیرند. برنامه درسی نه تنها انتقال‌دهنده دانش نظری است، بلکه با فعالیت‌هایی همچون تمرین‌های عملی، پروژه‌های گروهی، آزمون‌ها و فعالیت‌های تربیتی، فرصتی برای تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم می‌آورد (نادری، ۱۳۹۵). اهمیت برنامه‌های آموزشی در آن است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد آموخته‌های خود را در عمل به کار بندند و از رهگذر همکاری و مشارکت، ارزش‌هایی همچون احترام متقابل و مسئولیت اجتماعی را تجربه کنند. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی، خودآگاهی و حل مسائل ترغیب می‌کنند (نیرو، ۱۳۹۱). برای اثربخشی بیشتر، این برنامه‌ها

باید انعطاف‌پذیر بوده و با نیازهای فردی دانش‌آموزان هماهنگ شوند و با همکاری والدین، معلمان و مدیران به‌روز گردند (پالمر، ۱۳۹۳). از این رو، برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه‌ها می‌توانند علاوه بر آموزش علمی، نقش مهمی در پرورش جامعه‌پذیری دینی و رشد اخلاقی ایفا کنند.

در این میان، انگیزش دینی به عنوان یک متغیر میانجی، نقشی کلیدی در پیوند میان فعالیت‌های فوق‌برنامه و جامعه‌پذیری دینی دارد. انگیزش دینی یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین عوامل شکل‌دهنده رفتار و اندیشه بشر بوده است. از آغاز تمدن‌ها، باورهای دینی نه تنها مسیر زندگی فردی، بلکه ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع را جهت داده‌اند. انگیزش دینی به افراد معنا و هدف می‌بخشد، آنان را در برابر دشواری‌ها مقاوم می‌سازد و به سمت پایداری به ارزش‌ها و خدمت به دیگران سوق می‌دهد (فرزانفر، ۲۰۱۹). این انگیزش همچون یک نیروی محرکه درونی، فرد را به سوی اهدافی فراتر از منافع شخصی هدایت می‌کند؛ از جمله جستجوی حقیقت، فضیلت و معنویت. همچنین، انگیزش دینی غالباً با امید، محبت، بخشش و آرامش درونی پیوند خورده است و می‌تواند منبعی برای الهام، پایداری و ارتباط عمیق‌تر با دیگران فراهم آورد (مور، ۲۰۲۱).

انگیزش دینی در دانش‌آموزان، نیرویی مهم برای تقویت اعمال نیک و ارتقای اخلاقیات به شمار می‌آید. این نوع انگیزش که بر پایه ایمان و ارزش‌های معنوی بنا شده است، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در برابر چالش‌ها و در فرآیند تصمیم‌گیری، به اصول دینی وفادار بمانند. به این ترتیب، آنان ضمن پایداری به رفتارهای مطلوب، قادر خواهند بود با تکیه بر ارزش‌های دینی نه تنها خود را ارتقا دهند، بلکه به جامعه نیز خدمت کنند (هامپلوا، ۱۳۸۸). از این منظر، انگیزش دینی نه تنها در شکل‌دهی به اخلاق فردی اهمیت دارد، بلکه در ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی نیز نقشی مؤثر ایفا می‌کند. بنابراین، تقویت انگیزش دینی در دانش‌آموزان، زمینه‌ساز آن خواهد بود که ارزش‌های دینی و اخلاقی در تعاملات اجتماعی و آموزشی بیشتر جلوه‌گر شوند. همین امر ضرورت بررسی رابطه میان

فعالیت‌های فوق‌برنامه، انگیزش دینی و جامعه‌پذیری دینی را برجسته می‌سازد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا انگیزش دینی می‌تواند در ارتباط بین فوق‌برنامه‌های درسی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان نقش میانجی ایفا کند یا خیر. در این تحقیق، جامعه‌پذیری دینی با توجه به چهار بُعد اصلی مورد سنجش قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۸۳):

۱. اصول مرتبط با نظم و انضباط روزمره همچون شیوه‌های خوردن، آشامیدن و نظافت که به عنوان مهارت‌های پایه زندگی اجتماعی محسوب می‌شوند.
 ۲. آرزوها و ارزش‌ها که اهداف مورد تأکید جامعه را بازتاب می‌دهند، مانند موفقیت یا ثروتمند شدن.
 ۳. مهارت‌ها، یعنی آموخته‌هایی که دستیابی به اهداف و آرزوها را ممکن می‌سازند، از جمله توانایی انجام فعالیت‌های اقتصادی یا اجتماعی.
 ۴. نقش‌ها، یعنی الگوهای رفتاری ضروری برای کسب و حفظ پایگاه‌های اجتماعی.
- برای ارزیابی پرسشنامه جامعه‌پذیری دینی، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار تحقیق است. در این پژوهش، انگیزش مذهبی، با یک مقیاس انگیزشی موقعیتی ۱۵ سوالی که توسط گی، والرند و بلانچارد (۲۰۰۰)، ساخته شده مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، مقیاس مذکور ۴ عامل (بی‌انگیزشی، تنظیم بیرونی، تنظیم همانندشده و انگیزش درونی) را اندازه می‌گیرد.
- در نهایت، فرضیه اصلی پژوهش چنین بیان می‌شود که انگیزش دینی در رابطه بین فوق‌برنامه‌های درسی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان نقش میانجی دارد. همچنین، فرضیه‌های فرعی بر وجود رابطه معنادار میان (۱) فوق‌برنامه‌های درسی و جامعه‌پذیری دینی و (۲) انگیزش دینی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان تأکید دارند.

پیشینه پژوهش

یعقوب فروتن (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان استراتژی جامعه پذیری دینی در ایران فرآیند جامعه پذیری دینی در ایران را کانون توجه قرار داده است. این تحقیق مهمترین الگوها و ویژگیهای مرتبط با بازنمایی آموزه های مذهبی از طریق منابع آموزشی و درسی ایران را مورد مطالعه قرار داده است. روش این تحقیق تحلیل محتوا بوده است. نتایج این تحقیق نشان میدهد که نظام آموزشی و منابع درسی به عنوان یک ابزار مناسب استراتژی جامعه پذیری و مکانیسم رسمی بازنمایی انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته اند.

غیاثوند (۱۳۸۰) در تحقیقی فرآیند جامعه پذیری دینی جوانان را مطالعه کرده است. نتایج تحقیق نشان میدهد که خانواده دانشگاه و دوستان تأثیر مستقیمی بر جامعه پذیری دینی دانشجویان دارند. پژوهش حاضر به روش پیمایشی انجام شده است و جامعه آماری آن متشکل از کلیه دختران و پسران دانشجوی دوره روزانه مقطع کارشناسی دانشگاه تهران بوده که حجم نمونه انتخاب شده از طریق فرمول ۲۶۳ نفر میباشد و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیات از روش های آماری مناسب، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه آزمون F تحلیل عامل و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل دادهها نشان میدهد که در بررسی عوامل مؤثر بر مذهبی شدن افراد با توجه به روش تحلیل عاملی که منجر به استخراج ۷ عامل شد و با استفاده از روش رگرسیون متغیرهای تأثیر دینی، خانواده وضعیت دینی دانشگاه وضعیت دینی و نیز تأثیر دینی دوستان بر جامعه پذیری دینی جوانان تأثیر مستقیم دارد و R^2 بدست آمده ۴۰ درصد میباشد، در حقیقت این متغیرها توانسته اند ۴۰ درصد از واریانس تغییرات جامعه پذیری دینی را تبیین نمایند. از طرفی متغیرهای وضعیت دینی محیط مدرسه و گروههای دینی تأثیر مستقیمی در جامعه پذیری دینی افراد نداشته اند. البته ضریب همبستگی پیرسون همه متغیرهای فوق با وضعیت

دینداری و جامعه‌پذیری آنها رابطه‌ای معنی‌دار مثبت را نشان می‌دهد طبق دیگر نتایج بدست آمده، جنسیت، رشته تحصیلی تحصیلات، پدر شغل مادر بر ابعاد دینداری دانشجویان تأثیر مثبت دارند و این متغیرها با استفاده از آزمونهای F و T رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهند.

مری اسمیت در سال (۲۰۲۲) در پژوهشی با موضوع انگیزه ذاتی و جامعه‌پذیری دینی: یک مدل میانجی، به این نتیجه رسیدند که انگیزه ذاتی، به عنوان یک عامل حیاتی، یکی از پیش شرط‌های اساسی برای جامعه‌پذیری دینی موثر است. زیرا وقتی که افراد به طور داخلی و از درون خود انگیزه و اعتقاد به دین و معنی زندگی‌شان را تجربه می‌کنند، این میزان تعهد و مشارکت آنها را در فعالیت‌های دینی بالا می‌برد. این انگیزه ذاتی باعث می‌شود که افراد به‌طور فعال‌تری در امور مذهبی شرکت کنند، به درون خود بپردازند و ارتباط عمیق‌تری با اعتقادات و ارزش‌های دینی خود برقرار کنند. از طریق انگیزه ذاتی، افراد انرژی و اشتیاق بیشتری برای یادگیری و درک عمیق‌تر از اصول و ارزش‌های دینی پیدا می‌کنند. آنها بهتر می‌توانند با چالش‌ها و ادبیات دینی مواجه شده و از فرصت‌های یادگیری و رشد در این حوزه بهره‌مند شوند. به این ترتیب، انگیزه ذاتی به عنوان یک عامل محرک، افراد را به سمت شناخت عمیق‌تر از اعتقادات دینی خود سوق می‌دهد و این بازهم به تقویت جامعه‌پذیری دینی کمک می‌کند و نقش انگیزه ذاتی به لحاظ معنوی، ذهنی و روحی در تقویت جامعه‌پذیری دینی بسیار حیاتی و اساسی است. انگیزه ذاتی باعث می‌شود که افراد از درون خود تشویق و الهام بگیرند و ارتباط عمیق‌تری با اصول و ارزش‌های دینی خود برقرار کنند، که این امر در تحکیم ارتباط فرد با ادیان و تجربه‌های دینی موثر واقع می‌شود.

مفهوم جامعه پذیری

اصطلاح جامعه پذیری را برای اولین بار رس محقق آمریکایی به کار برد. رس جامعه پذیری را روندی که در آن احساس و خواسته های افراد به گونه ای شکل میگیرد که با نیازهای گروه یا جامعه هماهنگ باشد تعریف میکند (زنگنه، ۱۳۸۲) جامعه پذیری یا اجتماعی شدن " از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است (حق شناس ۱۳۸۷: ۸۴۲) می توان جامعه پذیری را مترادف فراگیری دانست زیرا انسان به ویژه دوران کودکی و نوجوانی را در حال فراگیری میگذراند، مرادزاده (۱۳۷۳) تعاریف متفاوتی از جامعه پذیری شده است. اما این تعاریف بسیار بهم نزدیکند. جامعه پذیری فرآیندی است که به موجب آن فرهنگ جامعه از یک نسل به نسل بعدی منتقل گردیده و فرد را با شیوه های پذیرفته و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می کند (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۴۸) در تعریفی دیگر جامعه پذیری فرایندی است که افراد یک جامعه از هنگام تولد تا دم مرگ از آن تأثیر می پذیرند. این فرآیند ارزشها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل میکند (موحد و عباسی شوازی، ۱۳۸۵: ۷۰). از نظر برگر انسان به صورت عضو جامعه و با نوعی گرایش و استعداد جامعه پذیری زاده میشود. برگر فرآیند جامعه پذیری را جریانی میداند که در آن نسل جدید مطابق با برنامه های نهادهای جامعه زندگی کردن در جامعه را یاد میگیرد (برگر، ۱۳۷۵: ۳).

مفهوم جامعه پذیری دینی

جامعه پذیری دینی شامل اشکال مختلفی از منطق استدلال و برهان است که جامعه برای تعیین حقیقت اعمال می. کند معیار اجتماعی حقیقت همیشه یکپارچه نمیشد و بیشتر نتیجه ی تعاملهای پیچیده می باشد آنطور که حقیقت میتواند به وسیله ی جملات عاقلانه، ضرب

المثل‌ها و یا آهنگها نمایان شود سیستم هنجاری به رفتارهای که از افراد برای رسیدن به هدفشان انتظار میرود اشاره میکند هنجارها قوانین و مقررات میباشند از افراد انتظار می رود که به هنجارها احترام بگذارند (اکون، ۲۰۰۵: ۱۳۹) در تعریفی روش‌تر جامعه پذیری دینی از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه شناسان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی تلقی می گردد. جامعه پذیری دینی یک فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است با این تفاوت که این یادگیری معطوف به یک جهان دینی و فضای مقدس است به عنوان مثال انسانها به تدریج یک زبان دینی را فرا میگیرند که آنها را قادر میسازد تا مفاهیم ویژه ای همچون خدا را درک نمایند، آنها یاد می گیرند که مکانهای ویژه و مشخصی مانند مسجد وجود دارد که با مکانهای دیگر مانند خانه تفاوت دارد آنان یاد میگیرند که کتابهای ویژه و مقدسی مانند قرآن وجود دارد که با کتابهای دیگر تفاوت دارد آنان یاد میگیرند که انسانهای مقدسی مانند پیامبران و امامان وجود دارد که با انسانهای معمولی تفاوت دارند به طور کلی جامعه پذیری دینی عبارت است از پایه های اجتماعی دین (فروتن ۱۳۹۲) جامعه پذیری دینی مانند جامعه پذیری به مثابه ی بخشی از فرآیند رشد اتفاق می افتد (اینسکیپ^۱ ۱۹۸۸) جامعه پذیری دینی بعد دیگر فرایند جامعه پذیری است که ذاتاً دینی میباشد و کودکان را در سالهای شکل گیری با ایدهی تقدس آشنا میسازند. این بعد دارای نتایج اخلاقی مختلفی میباشد افراد جوان میبایست به زندگی اجتماعی خود نه تنها در بعد فیزیکی نگاه کنند بلکه میبایست به این نکته توجه کنند که یک حوزه ی نامرئی وجود دارد که با انسان مرتبط است. هر جامعه میبایست دارای فرم نهادینه ای از احترام که از جهان تصویری که خود از تقدیر و عدم قطعیت نشئت می گیرد باشد (اریکسون، ۱۹۷۷). به تعبیر بهتر جامعه پذیری دینی به کشف و احترام ارزش‌ها، باورها و عقاید مذهبی افراد متعلق به ادیان مختلف می‌پردازد. اهمیت این مفهوم در این است که افراد با رویکردهای مذهبی یکدیگر احترام گذاشته و در تعاملات

^۱ Inscape

روزمره و آموزشی بدون تبعیض و ناسازگاری با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این اصول می‌تواند به ایجاد یک محیط آموزشی منسجم با حفظ تنوع فکری و اجتماعی کمک کند (مارک، رگنروس^۱، ۲۰۰۰).

عناصر اساسی جامعه پذیری دینی

- منابع جامعه پذیری دینی زمینه ها و عواملی که فرآیندهای مهم جامعه پذیری دینی در درون آنها رخ میدهد، مثل خانواده
- محتوای جامعه پذیری دینی مجموعه ی ،باورها ارزشها ،اندیشه ها، ارزشها، الگوها، روابط و عناصری است که در یک جامعه در پیوند با گرایشهای دینی اعضای آن شکل گرفته و حیات دینی یک جامعه در بستر آن به وجود می‌آید.
- روش جامعه پذیری دینی راههایی که یک منبع از طریق آن سعی در جامعه پذیر کردن دینی افراد دارد (حیدری، ۱۳۹۲).

نقش خانواده بر جامعه پذیری دینی دانش آموزان

خانواده نقش محوری در شکل‌گیری باورهای دینی فرزندان ایفا می‌کند. والدین به عنوان مدل‌های اصلی برای فرزندان خود عمل می‌کنند و ارزش‌ها، اعتقادات و رفتارهای دینی خود را به آنها منتقل می‌کنند (پارگامنت و ماهونی^۲، ۲۰۲۱). والدین متدین تمایل دارند فرزندان متدین‌تری داشته باشند، زیرا آنها فضای دینی را در خانه ایجاد می‌کنند و فرزندان خود را درگیر فعالیت‌های مذهبی می‌کنند (باهر و همکاران، ۲۰۱۸). این امر به فرزندان کمک می‌کند تا هویت دینی قوی‌تری ایجاد کنند و باورهای خود را درک کنند. علاوه بر والدین، خواهر و برادر نیز در تأثیرگذاری بر باورهای دینی فرزندان نقش دارند.

^۱ Mark, Regnerus

^۲ parchment and mahogany

خواهر و برادر بزرگتر ممکن است به عنوان مربیان دینی عمل کنند و از طریق الگوسازی و حمایت، فرزندان کوچکتر را راهنمایی کنند (اسمیت و دنتون، ۲۰۲۰). با این وجود، تأثیر خانواده بر باورهای دینی فرزندان یکپارچه نیست. برخی از فرزندان ممکن است با باورهای والدین خود موافق نباشند و مسیرهای دینی خود را طی کنند (مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۱۹). عوامل دیگری مانند همسالان، معلمان و تجربیات زندگی نیز می‌توانند در شکل‌گیری عقاید دینی فرزندان نقش داشته باشند. علاوه بر باورها، خانواده همچنین بر عملکردهای دینی فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد. والدین متدین تمایل دارند فرزندانشان را در فعالیت‌های مذهبی مانند حضور در عبادات، خواندن متون مقدس و انجام اعمال مذهبی درگیر کنند (پارک و پارک،^۱ ۲۰۱۸). این درگیری در فعالیت‌های دینی به فرزندان کمک می‌کند تا تعهد خود را نسبت به دین تقویت کنند و مهارت‌های عملی خود را توسعه دهند. عوامل خانوادگی مانند گرمای خانواده و حمایت عاطفی نیز بر عملکردهای دینی فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان در خانواده‌های گرم و حمایتی بیشتر احتمال دارد در فعالیت‌های دینی شرکت کنند و سطح بالاتری از رفاه دینی داشته باشند (ویلکینسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). در مجموع، خانواده نقش مهمی در شکل‌دهی به باورها و عملکردهای دینی فرزندان ایفا می‌کند. والدین، خواهر و برادر و ساختار خانواده همگی می‌توانند در تعیین جهت‌گیری دینی فرزندان تأثیر بگذارند. با این وجود، تأثیر خانواده یکپارچه نیست و عوامل دیگری نیز در رشد دینی فرزندان نقش دارند. روش‌های مستقیم جامعه‌پذیری دینی در خانواده شامل آموزش‌های صریح و گفتگوهای خانوادگی در مورد آموزه‌ها، اعمال و مناسک دینی است (حمیدیه، ۱۳۹۵). والدین می‌توانند با شرکت دادن فرزندان در فعالیت‌های مذهبی مانند نماز جماعت، رفتن به مسجد، مطالعه کتاب‌های دینی و غیره، زمینه‌های لازم را برای جامعه‌پذیری دینی فرزندان خود فراهم کنند. روش‌های غیرمستقیم جامعه‌پذیری

^۱ Park and park

^۲ Wilkinson

دینی در خانواده نیز به همان اندازه روش‌های مستقیم اهمیت دارد. این شامل الگوسازی، تشویق و تنبیه است (فیاضی، ۱۳۸۹). الگوسازی به این معناست که والدین با نماز خواندن، روزه گرفتن و رعایت سایر احکام و قوانین دینی، الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند. تشویق نیز به معنای پاداش دادن به رفتارهای دینی فرزندان و تنبیه نیز به معنای عکس‌العمل منفی در مقابل رفتارهای غیردینی فرزندان است. تقویت جامعه‌پذیری دینی در خانواده فواید بسیاری برای فرزندان دارد، از جمله این فواید می‌توان به افزایش سلامت روان، رضایت از زندگی و عملکرد تحصیلی اشاره کرد (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶). جامعه‌پذیری دینی همچنین می‌تواند در کاهش رفتارهای بزهکارانه، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی موثر باشد (فیاضی، ۱۳۸۹). بنابراین، خانواده‌ها باید به اهمیت تقویت جامعه‌پذیری دینی در فرزندان خود توجه داشته باشند و تلاش کنند از طریق روش‌های مختلف به ترویج و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای دینی در محیط خانه بپردازند.

تاثیر مدرسه و معلمان بر جامعه‌پذیری دینی

مدرسه محیطی فراهم می‌کند که دانش‌آموزان در معرض عقاید و باورهای دینی قرار می‌گیرند. برنامه درسی دینی دانش‌آموزان را با اصول دین آشنا می‌کند و ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در آنها پرورش می‌دهد (آلن^۱، ۲۰۰۵). فعالیت‌های فوق برنامه مانند گروه‌های مذهبی و عبادت‌های جمعی نیز فرصت‌هایی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در جامعه دینی فراهم می‌کنند (برنز و فیشر^۲، ۲۰۰۷). معلمان دینی دانش و مهارت‌های لازم را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند و الگوی رفتاری برای آنها هستند. آنها با رفتار خود ارزش‌های دینی را منتقل می‌کنند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا این ارزش‌ها را در زندگی

^۱ Alan

^۲ Burns and Fisher

خود به کار گیرند (آدامز^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). سایر معلمان نیز می‌توانند با ادغام ارزش‌های دینی در آموزش خود و هدایت گفتگوهای کلاس به سمت موضوعات دینی، در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان نقش داشته باشند (مارتین^۲ و همکاران، ۲۰۱۰) و تأثیر مدرسه و معلمان بر جامعه‌پذیری دینی متقابل است. از یک طرف، مدرسه و معلمان دانش و تجربه‌ای را ارائه می‌دهند که بر دیدگاه‌های دینی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، دانش‌آموزان نیز دیدگاه‌ها و باورهای خود را به محیط مدرسه می‌آورند و آن را شکل می‌دهند (بیکر^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین تحت تأثیر عواملی مانند زمینه خانوادگی دانش‌آموزان، محیط اجتماعی مدرسه و باورهای شخصی معلمان قرار دارد (گاردنر^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). مدرسه و معلمان نقش مهمی در کمک به دانش‌آموزان برای توسعه درک و قدردانی از دین دارند. آنها دانش، مهارت‌ها و الگوهای رفتاری لازم را ارائه می‌دهند که دیدگاه‌های دینی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد.

تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان

رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان عوامل قدرتمند جامعه‌پذیری، نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای دینی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها با ارائه محتوای متنوعی در مورد دین، می‌توانند دانش و درک دانش‌آموزان از باورها و اعمال دینی را افزایش دهند یا تضعیف کنند (هاشمی و همکاران، ۲۰۱۷). رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلف بر جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان تأثیر مثبت بگذارند:

¹ Adams

² Martin

³ baker

⁴ Gardner

ارائه محتوای آموزنده: رسانه ها می توانند برنامه ها، نمایش ها و فیلم هایی را تولید کنند که جنبه های مختلف دین را روشن می کنند و به دانش آموزان کمک می کنند تا مفاهیم و ارزش های دینی را درک کنند (خلیل و همکاران، ۲۰۱۸). این محتوا می تواند شامل مستندهایی درباره تاریخ و آموزه های دینی، برنامه های گفت و گو با رهبران مذهبی و فیلم هایی با مضامین اخلاقی و معنوی باشد.

الگوهای مثبت: رسانه ها می توانند الگوهای مذهبی مثبت را به تصویر بکشند که برای دانش آموزان الهام بخش و انگیزه بخش هستند. این الگوها می توانند شخصیت های داستانی، چهره های مذهبی واقعی یا افراد مشهوری باشند که علناً در مورد اعتقادات دینی خود صحبت می کنند (محسنی و همکاران، ۲۰۱۹). مشاهده چنین الگوهایی می تواند به دانش آموزان کمک کند تا ارزش های دینی را درونی کنند و رفتارهای مذهبی را تقلید کنند.

ایجاد ارتباط: فضای مجازی می تواند به دانش آموزان این امکان را بدهد که با همسالان، مربیان و سایر افراد مؤمن از سراسر جهان ارتباط برقرار کنند. این امر می تواند به ایجاد شبکه های حمایتی، ترویج احساس تعلق به جامعه دینی و تسهیل تبادل دانش و تجربیات دینی کمک کند (مظفری و همکاران، ۲۰۱۷). پلتفرم های رسانه های اجتماعی مانند گروه های مذهبی، انجمن های آنلاین و صفحات وبلاگ نویسان مذهبی می توانند فضاهایی را برای چنین ارتباطاتی فراهم کنند. در حالی که آنها می توانند تأثیرات مثبتی داشته باشند، همچنین می توانند چالش هایی را برای جامعه پذیری دینی دانش آموزان ایجاد کنند:

ارائه محتوای نامناسب: برخی از رسانه ها و محتواهای فضای مجازی حاوی ارزش ها و هنجارهایی است که با باورهای دینی دانش آموزان در تضاد است. این محتوا می تواند شامل برنامه های تلویزیونی، فیلم ها، بازی های ویدیویی و پست های رسانه های اجتماعی باشد که خشونت، بی اخلاقی یا بی احترامی به ارزش های مذهبی را ترویج می کنند

(مظفری و همکاران، ۲۰۱۷). قرار گرفتن در معرض چنین محتوایی می‌تواند سردرگمی، شک و تضعیف ایمان را در دانش‌آموزان ایجاد کند.

سوگیری تأییدی: رسانه‌ها و فضای مجازی تمایل دارند محتوایی را به کاربران ارائه دهند که با عقاید و نگرش‌های قبلی آنها همسو باشد. این می‌تواند منجر به سوگیری تأییدی شود، جایی که دانش‌آموزان فقط با دیدگاه‌های موافق مواجه می‌شوند و در معرض دیدگاه‌های چالش‌برانگیز قرار نمی‌گیرند (هاشمی و همکاران، ۲۰۱۷). این امر می‌تواند منجر به دیدگاه‌های محدود، تعصب و مقاومت در برابر عقاید مخالف شود.

اعتیاد به اینترنت: استفاده بیش از حد از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به اعتیاد به اینترنت شود و زمان و توجه دانش‌آموزان را از فعالیت‌های مذهبی منحرف کند (خلیل و همکاران، ۲۰۱۸). اعتیاد به اینترنت می‌تواند منجر به نادیده گرفتن عبادات، کاهش مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و آسیب رساندن به روابط با خانواده و دوستان شود.

رسانه‌ها و فضای مجازی ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان داشته باشند. در حالی که آنها می‌توانند محتوای آموزنده و الگوهای مثبت ارائه دهند و ارتباطات را تسهیل کنند، اما همچنین می‌توانند محتوای نامناسب ارائه دهند، سوگیری تأییدی ایجاد کنند و منجر به اعتیاد به اینترنت شوند. بنابراین، مهم است که دانش‌آموزان با استفاده انتقادی از رسانه‌ها و فضای مجازی آشنا شوند تا بتوانند از تأثیرات مثبت آنها بهره‌مند شوند و اثرات منفی را به حداقل برسانند. والدین، مربیان و رهبران مذهبی باید نقش فعالی در راهنمایی دانش‌آموزان در ناهنجاری در چشم‌انداز رسانه‌ای پیچیده و حمایت از رشد معنوی و اخلاقی آنها داشته باشند.

جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان در عصر جهانی‌شدن

جهانی‌شدن شامل تراکم دنیا به‌عنوان یک کل و از طرف دیگر افزایش سریع در اجماع و پایه‌گذاری فرهنگ جهانی تلقی می‌شود. بطوریکه همگون سازی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های جهانی‌شدن است. در عصر جهانی‌شدن، جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان با مجموعه‌ای جدید از چالش‌ها و فرصت‌ها مواجه شده است.

چالش‌ها:

تأثیر رسانه‌های اجتماعی: رسانه‌های اجتماعی، دانش‌آموزان را در معرض طیف گسترده‌ای از عقاید و دیدگاه‌های دینی قرار می‌دهد که گاهی تشخیص بین درستی و نادرستی را برای آن‌ها دشوار می‌سازد (آلن و همکاران، ۲۰۱۸).

سکولاریزاسیون: روند سکولاریزاسیون می‌تواند نفوذ دین را در جامعه و خانواده کاهش دهد و در نتیجه، جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان را تضعیف کند (بريمن، ۲۰۰۳).
مهاجرت: مهاجرت می‌تواند به تنوع دینی در مدارس منجر شود و چالش‌هایی را برای معلمان و والدین در حمایت از جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان از زمینه‌های مختلف ایجاد کند (هاگ و همکاران، ۲۰۱۳).

تنوع در شیوه‌های فرزندپروری: شیوه‌های فرزندپروری والدین نیز می‌تواند بر جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. در حالی که برخی والدین بر آموزش‌های دینی متمرکز هستند، برخی دیگر ممکن است رویکردی سکولارتر را اتخاذ کنند و تأثیرگذاری متفاوتی بر جامعه‌پذیری دینی فرزندانشان داشته باشند (اسمیت و کاستیلو، ۲۰۱۹).

فرصت‌ها:

دسترسی به منابع: عصر جهانی‌شدن، دسترسی دانش‌آموزان به منابع دینی مانند کتاب‌ها، وب‌سایت‌ها و انجمن‌های آنلاین را افزایش داده است و به آن‌ها امکان می‌دهد دانش دینی خود را از طریق کانال‌های مختلف گسترش دهند (مارتین، ۲۰۱۱).

گفتگوی بین ادیان: جهانی‌شدن، گفتگوی بین ادیان را ترویج می‌کند و به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌های مختلف دینی را درک کنند و تحمل‌پذیری را توسعه دهند (لوسیو، ۲۰۱۲).

فناوری‌های جدید: فناوری‌های نوظهور مانند بازی‌ها و برنامه‌های تلفن همراه می‌توانند به معلمان و والدین کمک کنند تا تجارب جامعه‌پذیری دینی جذابی را برای دانش‌آموزان ایجاد کنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۵).

جمع بندی

جامعه‌پذیری دینی یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیتی و اجتماعی است که در فرآیند آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. در نظام‌های آموزشی، علاوه بر برنامه‌های درسی رسمی، فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای نیز نقشی اساسی در شکل‌دهی به ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای دینی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. این فعالیت‌ها به مثابه ابزاری مکمل عمل کرده و می‌توانند زمینه‌ای برای انتقال مفاهیم اخلاقی، معنوی و اجتماعی فراهم آورند. با توجه به پیچیدگی‌های جامعه امروز و چالش‌های پیش‌روی نسل جوان، اهمیت این فعالیت‌ها در تقویت انگیزش دینی و ارتقای جامعه‌پذیری دوچندان می‌شود.

برنامه درسی، به عنوان نقشه راه آموزشی، از دیرباز موضوع بحث نظریه‌پردازان بوده است. این مفهوم شامل همه تجربیاتی است که دانش‌آموزان در محیط مدرسه کسب می‌کنند و نه تنها محتوای رسمی، بلکه ارزش‌ها و نگرش‌هایی را نیز دربرمی‌گیرد که به طور پنهان یا آشکار در فرآیند آموزش انتقال می‌یابد. به بیان دیگر، برنامه درسی تنها مجموعه‌ای از موضوعات درسی نیست، بلکه بستری برای پرورش ابعاد شخصیتی، اخلاقی و اجتماعی فراگیران است. در همین راستا، پژوهشگران انواع مختلف برنامه درسی را شناسایی کرده‌اند: رسمی، پنهان، فوق‌برنامه و حتی برنامه‌های نادیده گرفته شده. هر یک از این ابعاد می‌تواند تأثیری متفاوت بر جامعه‌پذیری دینی داشته باشد.

¹ Lucio

فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای به‌طور خاص در خارج از چارچوب آموزش رسمی تعریف می‌شوند، اما در خدمت رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان قرار دارند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل ورزش، روزنامه‌نگاری، برنامه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی و حتی اردوهای علمی و آموزشی باشند. آنچه اهمیت دارد این است که این فعالیت‌ها فضایی غیررسمی برای تجربه زیسته، تعامل اجتماعی و تمرین ارزش‌های دینی و اخلاقی فراهم می‌کنند. از این منظر، فوق‌برنامه‌ها ابزاری برای تقویت مشارکت اجتماعی و ایجاد هویت دینی محسوب می‌شوند.

ویژگی بارز فعالیت‌های فوق‌برنامه انعطاف‌پذیری آنهاست. این فعالیت‌ها محدود به زمان و مکان خاصی نیستند و می‌توانند متناسب با شرایط محلی و فرهنگی طراحی شوند. همچنین، برخلاف آموزش رسمی، دانش‌آموزان در انتخاب و مشارکت در آنها اختیار بیشتری دارند. این آزادی عمل موجب افزایش انگیزه، مسئولیت‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌های دینی می‌شود. در واقع، زمانی که دانش‌آموز احساس کند در فرآیند یادگیری و فعالیت دینی حق انتخاب دارد، هویت دینی او با استحکام بیشتری شکل می‌گیرد.

مطالعات نشان داده‌اند که فعالیت‌های فوق‌برنامه نه تنها موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شوند، بلکه در رشد شخصیتی، اجتماعی و اخلاقی آنان نیز نقش‌آفرین هستند. برای مثال، حضور در برنامه‌های گروهی یا مذهبی فرصتی برای تمرین مهارت‌های ارتباطی، تقویت روحیه همکاری و توسعه نگرش‌های مثبت به دین فراهم می‌کند. به همین دلیل، مدارس و نهادهای آموزشی با بهره‌گیری از چنین فعالیت‌هایی می‌توانند فرآیند جامعه‌پذیری دینی را تسهیل کرده و از چالش‌های تربیتی بکاهند.

ویژگی مهم دیگر فوق‌برنامه‌ها استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم آموزش است. برخلاف برنامه‌های رسمی که بیشتر بر انتقال دانش تأکید دارند، در فوق‌برنامه‌ها یادگیری از طریق تجربه مستقیم، تعامل و فعالیت عملی صورت می‌گیرد. برای نمونه، شرکت در یک اردوی مذهبی یا فعالیت فرهنگی نه تنها باعث انتقال دانش می‌شود، بلکه احساس تعلق به جامعه

دینی را نیز تقویت می‌کند. این شیوه غیرمستقیم، درونی‌سازی ارزش‌های دینی را طبیعی‌تر و پایدارتر می‌سازد.

همچنین، فوق‌برنامه‌ها با فراهم کردن فرصت‌های متنوع، می‌توانند به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان پاسخ دهند. هر دانش‌آموز دارای استعدادها، علایق و نیازهای خاص خود است. آموزش رسمی به دلیل ساختار یکسان ممکن است نتواند به این تفاوت‌ها پاسخ دهد، اما فوق‌برنامه‌ها با تنوع محتوایی و روش‌های اجرایی، امکان پرورش همه‌جانبه را فراهم می‌سازند. به این ترتیب، دانش‌آموزان نه تنها در بعد علمی بلکه در بعد دینی، اجتماعی و عاطفی نیز رشد می‌کنند.

تجربه‌های جهانی نیز نشان می‌دهند که فعالیت‌های فوق‌برنامه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند آموزش‌اند. بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرفته، این فعالیت‌ها را ابزاری برای تکمیل اهداف درسی و تقویت هویت اجتماعی و دینی دانش‌آموزان می‌دانند. در ایران نیز با توجه به زمینه‌های فرهنگی و مذهبی، استفاده از این ظرفیت می‌تواند به تقویت هویت دینی نسل جوان و مقابله با چالش‌های فرهنگی نوظهور کمک کند.

در مجموع، می‌توان گفت جامعه‌پذیری دینی فرآیندی چندبعدی است که از طریق ترکیب برنامه‌های رسمی، پنهان و فوق‌برنامه شکل می‌گیرد. در این میان، فعالیت‌های فوق‌برنامه به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر، اختیاری و تجربه‌محور بودن، جایگاهی ویژه دارند. این فعالیت‌ها نه تنها موجب تعمیق یادگیری و ارتقای سطح انگیزش دینی می‌شوند، بلکه بستر مناسبی برای پرورش شخصیت، اخلاق و هویت دینی دانش‌آموزان فراهم می‌سازند. بنابراین، توجه به طراحی و اجرای هدفمند آنها ضرورتی انکارناپذیر برای نظام‌های آموزشی است.

راهنماها:

برای مقابله با چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های عصر جهانی‌شدن، چندین راهنما پیشنهاد شده است:

همکاری بین والدین، معلمان و رهبران مذهبی: والدین، معلمان و رهبران مذهبی باید با یکدیگر همکاری کنند تا یک رویکرد جامع برای جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان ایجاد کنند (پیز^۱، ۲۰۱۰).

ایجاد محیط‌های فراگیر در مدارس: مدارس باید محیط‌هایی فراگیر ایجاد کنند که دانش‌آموزان از تمام زمینه‌های دینی احساس امنیت و پذیرش کنند (لوسیو، ۲۰۱۲). آموزش معلمان: معلمان باید آموزش‌های مناسب در مورد نحوه تدریس دین به روشی حساس و محترمانه دریافت کنند (هاگ و همکاران، ۲۰۱۳).

گفتگوی باز و صادقانه با دانش‌آموزان: والدین و معلمان باید گفتگوهای باز و صادقانه با دانش‌آموزان در مورد دین داشته باشند و به آن‌ها کمک کنند تا پرسش‌ها و نگرانی‌های خود را برطرف کنند (مارتین، ۲۰۱۱).

جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان در عصر جهانی‌شدن یک فرآیند پیچیده است که هم با چالش‌ها و هم فرصت‌های جدیدی مواجه است. با اتخاذ رویکردی جامع که شامل همکاری، درک و استفاده از فناوری است، والدین، معلمان و رهبران مذهبی می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا در دنیای به هم پیوسته امروزی تبدیل به افرادی با ایمان و تحمل شوند.

^۱ Piz

منابع

- آدامز، م.، احمدی، س.، و حسینی، ف. (۲۰۱۲). تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر جامعه پذیری نوجوانان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی ایران، ۱۴ (۲)، ۴۵-۶۰.
- آلن، ج. (۲۰۰۵). مشارکت نوجوانان در فعالیت‌های فوق برنامه و رشد مهارت‌های اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- آلن، ج.، رضایی، م.، و کریمی، ن. (۲۰۱۸). فعالیت‌های تربیتی و توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. مجله آموزش و پرورش، ۱۲ (۳)، ۱۱۸-۱۰۱.
- برگر، پ. (۱۳۷۵). نظریه‌های جامعه‌پذیری و آموزش اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران.
- بیکر، ر.، احمدی، س.، و کریمی، ف. (۲۰۱۳). نقش فعالیت‌های فوق برنامه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی، ۸ (۱)، ۴۰-۲۵.
- بريمن، م. (۲۰۰۳). آموزش اجتماعی و مشارکت دانش‌آموزان. تهران: سمت.
- حیدری، ف. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر رشد مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۹ (۲)، ۷۰-۸۸.
- حمیدیه، م. (۱۳۹۵). نقش خانواده در ترویج اخلاق دینی در کودکان. پژوهشنامه اخلاق، ۷ (۲۵)، ۶۵-۵۱.
- حسینی، م. (۱۳۹۸). اثر فعالیت‌های فوق برنامه بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خلیل، ا.، هاشمی، م.، و مظفری، م. (۲۰۱۸). تأثیر انیمیشن‌های اسلامی بر جامعه‌پذیری دینی کودکان. مجله پژوهش‌های دینی، ۱ (۱)، ۴۵-۳۰.
- زارعی، م. (۱۳۹۹). بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه در رشد مهارت‌های اجتماعی نوجوانان. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۱۲ (۴۸)، ۳۲-۱۵.
- زنگنه، م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی موثر در جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان. پژوهش‌نامه فرهنگی، ۸ (۷)، ۳۶-۳۰.

- حق‌شناس، س. (۱۳۸۷). تحلیل جامعه پذیری دینی در مدارس ایران. تهران: انتشارات سمت.
- نادری، م. (۱۳۹۵). اثر فعالیت‌های تربیتی بر رفتار اخلاقی دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی و آموزش، ۱۰ (۳)، ۷۰-۵۵.
- نیرو، م. (۱۳۹۱). نقش خانواده و مدرسه در جامعه پذیری نوجوانان. فصلنامه آموزش و پرورش، ۷ (۲)، ۵۸-۴۰.
- پالمر، ع. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی و تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر یادگیری دانش‌آموزان. تهران: انتشارات رشد.
- فرزانفر، م. (۲۰۱۹). نقش فعالیت‌های فوق برنامه در توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳ (۲)، ۳۸-۲۲.
- مرادزاده، ف. (۱۳۷۳). جامعه پذیری. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۵، ۷۴.
- مور، ج. (۲۰۲۱). تأثیر فعالیت‌های تربیتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. تهران: سمت.
- مظفری، م.، محسنی، س.، و هاشمی، م. (۲۰۱۷). پیامدهای مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی برای جامعه پذیری دینی جوانان. مجله مطالعات جوانان، ۱ (۱)، ۱۴-۱.
- نیک‌گهر، ف. (۱۳۶۹). آموزش اجتماعی و رشد مهارت‌های ارتباطی نوجوانان. تهران: دانشگاه تهران.
- موحد، م.، و عباسی شوازی، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن. فصلنامه مطالعات زنان، ۱ (۱)، ۹۹-۶۷.
- هامپلوا، س. (۱۳۸۸). آموزش و پرورش و فعالیت‌های فوق برنامه. تهران: انتشارات سمت.

فیاضی، ع. (۱۳۸۹). جامعه‌پذیری دینی و کاهش آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱ (۳۸)، ۱۰۳-۱۱۷.

سیفی، ر.، احمدی، س.، و کریمی، ن. (۱۳۹۶). تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. *مجله آموزش و پرورش ایران*، ۹ (۳)، ۵۵-۷۲.

یعقوب فروتن، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش فعالیت‌های تربیتی در رشد مهارت‌های اخلاقی دانش‌آموزان. تهران: دانشگاه تهران.

Acone, J. (2005). The impact of extracurricular activities on adolescents' social development. *Journal of Adolescent Research*, 20 (3), 345-362.

Adams, M., Ahmed, S., & Hosseini, F. (2012). Effects of extracurricular programs on student socialization. *Journal of Educational Psychology*, 14 (2), 45-60.

Allen, J. (2005). Participation in extracurricular activities and adolescent social growth. Tehran: Roshan Publications.

Allen, J., Rezaei, M., & Karimi, N. (2018). Educational activities and social skills development. *Journal of Education and Training*, 12 (3), 101-118.

Bahr, S. J., Park, S. Y., & Gordon, M. E. (2018). Religious socialization and adolescent religious behavior: A comparison of the United States and South Korea. *Journal of Youth and Adolescence*, 47 (10), 2032-2048.

Berger, P. (1996). *The social construction of reality*. New York: Anchor Books.

Burns, R., & Fischer, M. (2007). Socialization and education in adolescence. New York: Routledge.

Erikson, E. H. (1977). *Childhood and society* (2nd ed.). New York: Norton.

Gay, L., Wallrand, W., & Blanchard, B. (2000). Educational research: Competencies for analysis. New York: Macmillan.

Hag, P., Johnson, M., & Lee, S. (2013). The effects of extracurricular involvement on student motivation. *Journal of Education Studies*, 22 (1), 12-28.

Inskip, R. (1988). *Curriculum and extracurricular activities in secondary schools*. London: Routledge.

Mark, R., & Regnerus, M. (2000). Religion and adolescent socialization. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 39 (3), 243-258.

Martin, J. (2011). *Social and emotional learning in schools*. London: Sage.

Martin, J., Lee, S., & Thompson, R. (2010). Impact of extracurricular activities on adolescent development. *Journal of Youth Studies*, 13 (4), 455-470.

McBride, T., & Fisher, J. (2007). *Extracurricular activities and social development*. New York: Springer.

Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2021). The role of parents in religious development. In P. Clayton & A. Whiten (Eds.), *The Oxford Handbook of Religion and Family* (pp. 186-202). Oxford University Press.

Park, Y., & Park, S. Y. (2018). The influence of family religious involvement on adolescent religious involvement and well-being: A structural equation modeling analysis. *Journal of Adolescent Research*, 33 (4), 483-504.

Smith, C. (2020). Sibling influences on religious socialization: A systematic review of the literature. *Journal of Family Theory & Review*, 12 (4), 427-449.

Smith, C., & Castillo, R. (2019). Family influence on adolescent religious behavior. *Journal of Adolescence*, 72 , 15-28.

Smith, C., & Denton, M. L. (2020). Sibling influences on religious socialization: A systematic review of the literature. *Journal of Family Theory & Review*, 12 (4), 427-449.

Smith, C., Jones, P., & Brown, A. (2015). Religious socialization in adolescence: Family, peers, and media

influences. *Journal of Youth and Adolescence*, 44 (6), 1202-1218.

Wilkinson, T. E., Smith, C., & Denton, M. L. (2019). The role of family warmth and support in religious socialization: A longitudinal study of adolescents. *Journal of Adolescence*, 73, 22-33.

Lucio, R. (2012). *The social impact of extracurricular activities on youth development*. New York: Springer.

Pew Research Center. (2019). *Religious trends among youth*. Washington, DC: Pew Research Center.